

جمهوری اطلاعات

دستگاه‌ها هزینه اطلاعات مورد نیاز خود را بپردازند!



حامد اکبری پژوهشگر سیاست‌گذاری دولت الکترونیک

بررسی‌ها نشان می‌دهد یکی از محوری‌ترین چالش‌های دولت الکترونیک، فقدان اطلاعات جامع، دقیق و راستی آزمایی‌شده است. این اطلاعات را که می‌توان به اطلاعات پایه هویتی، اطلاعات اشخاص حقوقی، اطلاعات مکان‌محور و اطلاعات مربوط به فرایندها تقسیم کرد، مهم‌ترین پیش‌نیاز ایجاد دولت الکترونیک است. پژوهش‌های انجام‌شده پیرامون علل و عوامل عدم تحقق دولت الکترونیک در کشور، دست‌کم در قسمتی از تحلیل خود، به بحث فقدان اکوسیستم سالم اطلاعاتی اشاره اکید دارند.

رفتار عمومی دستگاه‌ها در رفع نیازهای اطلاعاتی خود، استفاده از اطلاعات سایر دستگاه‌هاست که بحران «نظام استعلامات» را در کشور ایجاد کرده است. به علت عدم تعیین‌تکلیف مکانیسم دسترسی و رفع پیش‌نیازهای اطلاعاتی دستگاه‌ها، اکثر دستگاه‌ها بر این باورند که در مسیر ارائه خدمات، وظیفه‌ای جز ارائه آن نداشته و نیازهای اطلاعاتی خود را باید با دسترسی به اطلاعات دستگاه‌های دیگر حل کنند. این خوانش نادرست از وظایف، در ارائه زنجیره خدمات، باعث ایجاد مشکل دیگری نیز شده که بالاجبار به وظایف دستگاه‌ها بدل شده است.

براساس همان تصور نادرست، دستگاه‌ها باید نیازهای اطلاعاتی دستگاه‌های دیگر را نیز تأمین کنند!

حال ببینیم که این‌ موضوع چه مسائل و مشکلاتی را برای دولت الکترونیک ایجاد می‌کند.

اول، از آنجا که دستگاه‌ها در تولید اطلاعات و انتقال آن ذی‌نفع نبوده و استفاده‌کننده اصلی نیستند، در داده‌پردازی، مدیریت دانش و تجمع، راستی‌آزمایی و به‌روزرسانی اطلاعات، انگیزه کافی ندارند.

دوم، دستگاه‌ها به دلیل اجبار قانون، در همکاری اطلاعاتی «رایگان» بین دستگاه‌ها، غالباً از همکاری اطلاعاتی استنکاف کرده و اطلاعات مورد نیاز دستگاه‌های دیگر را در اختیار آنها قرار نمی‌دهند.

سوم، هزینه خطاهای اطلاعاتی احتمالی یک دستگاه را دستگاه‌های دیگری می‌پردازند و روزبه‌روز آلودگی‌های اطلاعاتی گسترش می‌یابند.

چهارم، نسبت هزینه کسب اطلاعات برای دستگاه‌ها با زحمات آنها متناسب نیست. درواقع ممکن است ارزش تولید اطلاعات یک دستگاه بسیار بیشتر از دریافت اطلاعات از دستگاه دیگر باشد ولی باید اطلاعات پرهزینه خود را بدون هیچ سنجه و معیاری در اختیار دستگاه دیگر قرار دهند.

پنجم، ارزش اطلاعات خام، پایه و تکراری با ارزش اطلاعات پردازش‌شده، روزآمد و تغییرپذیر برابر فرض شده است. این موضوع باعث می‌شود دستگاه‌ها به تولید اطلاعات پردازش‌شده و ایجاد ارزش افزوده اطلاعاتی مبادرت نوزند.

ششم، زمان تولید اطلاعات در دستگاه‌ها باز زمان استفاده آن در دستگاه‌های دیگر متفاوت خواهد بود و احتمال روزآمدنبودن اطلاعات و نتیجه آلودگی آن را افزایش خواهد داد. همچنین هزینه اصلی این تفاوت زمانی را شهروندان می‌پردازند زیرا پرداخت هزینه مالی و زمانی استعلام جدید، برعهده آنهاست.

ششم، سهم شهروندان در مالکیت اطلاعات خودشان، کاملاً نادیده گرفته شده است. پرواضح است شهروندان مالک اصلی اطلاعات خود هستند که هیچ تدبیری برای آن اندیشیده نشده است.

هشتم، دستگاه‌هایی که بنای ارائه خدمات سریع‌تری را دارند، گروگان دستگاه‌های دیگر هستند. به‌عبارت دیگر دستگاه‌ها در توسعه و تسریع خدمات خود با آمادگی و همکاری اطلاعاتی دستگاه‌های دیگر درگیر هستند و عملاً مشکلات اطلاعاتی دولت الکترونیک به سایر دستگاه‌ها تسری پیدا کرده و باز هم بازنده اصلی این موضوع مردم هستند.

نهم، در روش کنونی، تلویحا، اطلاعات رایگان و بی‌ارزش فرض گرفته شده است که عنایت ویژه سیاست‌گذاران به‌ موضوع اقتصاد اطلاعات و ایجاد فهم مشترک از ارزش اطلاعات و تأثیر اطلاعات بر روابط اجتماعی، سیاست، کمرانی و... را ضروری می‌کند.

دهم، به بهانه فقدان اطلاعات و عدم همکاری دستگاه‌های دیگر، فرصت‌های مناسبی برای تخلفات و عدم ارائه خدمات مناسب دستگاه‌ها به شهروندان و همچنین روابط درون دولت، ایجاد می‌شود!

مدیر علمی طرح جامع مسکن در گفت‌وگو با «شرق» از شکست سیاست زمین در ایران می‌گوید

شکوفه حبیب‌زاده؛ از حدود ۳۰ سال پیش تاکنون، درآمذزایی از زمین بین ارگان‌ها و سازمان‌های دولتی رواج پیدا کرد؛ اقدامی که باعث افزایش شدید قیمت زمین و دسترس خارج‌شدن آن برای قشر کم‌درآمد شد و در نهایت به گسترش حاشیه‌نشینی در کشور دامن زد. فردین یزدانی، مدیر علمی طرح جامع مسکن کشور، در گفت‌وگو با «شرق» با انتقاد از سیاست شکست‌خورده زمین در کشور، به دولت انتقاد می‌کند و می‌گوید: «عین انتقادی که وزارت راه‌وشهرسازی به شهرداری می‌کند، به خودش هم وارد است. درآمد شرکت شهرهای جدید و سازمان زمین و مسکن، همه وابسته به فروش زمین است. زمانی‌که به صورت هزینه-درآمد منابع ملی را اداره می‌کنید، طبیعی‌است عین همان مشکلاتی که برای شهرداری پیش می‌آید، برای وزارت مسکن هم اتفاق می‌افتد.» به گفته او، اکنون بسیاری از دستگاه‌های دولتی و حاکمیتی درآمدهای حاصل از زمین دارند که همین امر منجر به فقل‌شدگی زمین و مسکن در کشور شده است.
باین‌حال، او ااین اراده را در دولت نمی‌بیند که بتواند با این مسئله مقابله کند؛ «در جنم دولت نمی‌بینم که این کارها را بکند (قطع درآمد شهرداری‌ها و نهادهای دولتی از زمین)». او می‌گوید برخورد با این مسئله تنها با تصمیم‌گیری در سطح بالای نظام امکان‌پذیر است؛ زیرا کسی حاضر نیست از چنین درآمدی بگذرد. یزدانی همچنین نسبت به گسترش حاشیه‌نشینی در کشور هشدار می‌دهد و می‌گوید: «بر اساس برآوردها اکنون ۱۹ تا ۲۰ میلیون نفر حاشیه‌نشین در کشور وجود دارند که این رقم تا افاق ۱۴۰۰ و پایان برنامه ششم توسعه، به حداقل ۲۳ میلیون نفر افزایش خواهد یافت».

چندی‌پیش چهار طرح دولت برای رفع مشکل جامعه بدمسکن اعلام شد؛ تقویت توان خرید متقاضیان، نوسازی بافت‌های فرسوده و بهسازی سکونتگاه‌های غیررسمی و حاشیه‌ای، اجرای مسکن اجتماعی و تأمین مسکن خانه‌اولی‌ها. این طرح‌ها چقدر می‌توانند کارایی داشته باشند؟

نمی‌شود گفت طرح، طبقه‌بندی کرده‌اند که در چند جا مسئله داریم. این‌طور بگوییم معقول‌تر است. در بخش مسکن گروه‌های کم‌درآمد و فقرا که بدون کمک مستقیم دولت قادر نیستند سربلندی مناسب داشته باشند. برای این افراد باید مسکن اجتماعی در نظر گرفت. طرحی که برای این زمینه داده‌اند، شامل یک‌سری برنامه‌های عملیاتی است. یکی مسکنی است که در بافت‌های مسئله‌دار وجود دارد. اعم از سکونتگاه غیررسمی و بافت فرسوده که نیاز به نوسازی یا بهسازی دارند. اینها هم طرح‌ها و برنامه‌های خاص خود را نیاز دارد که باید اجرا کنند. مورد دیگر مسکن گروه‌های متوسط است که قبلاً به دلیل مشکلاتی که در نظام تأمین مالی بود قادر نبودند نیاز خودشان را از بازار مرتفع کنند. به این افراد هم ابزارهای تأمین مالی اعم از وام‌های مختلف در قالب طرح‌های متفاوت ارائه شده‌اند؛ طرح زوج‌های خانه‌اولی تا مسکن‌اولی و وام‌های مسکن، استفاده از اوراق سیده. واقعیت این است که تنها اقدام دولت در زمینه مسکن، تأمین مسکن گروه‌های متوسط است و در زمینه تأمین مالی و استفاده از ابزارهای مالی اقدامات نسبتاً قابل‌توجهی انجام داده که وام‌های مسکن از ۲۰ تا ۳۰ میلیون به ۱۶۰، ۱۸۰ میلیون تومان رسیده. اینها به گروه‌هایی از طبقات متوسط که توان کافی ندارند مسکنشان را از بازار تأمین کنند، کمک می‌کند. به نظر از لحاظ اجرایی و نه گفتاری و نرم‌افزاری، تنها تأمین مسکن گروه‌های متوسط از نظام بازار امکان‌پذیر است با استفاده از ابزارهای مالی دولت شرایط آن را فراهم کرده‌اند. اما دولت توانسته برای اقشار کم‌درآمد در مقوله مسکن اجتماعی تاکنون کاری انجام دهد، هرچند مصوبه آن وجود دارد، اما تاکنون هیچ اقدام عملیاتی مشخصی صورت نگرفته است.

به چه دلیل؟

به بهانه‌های مختلف اعم از تأمین‌بودجه، در بافت‌های فرسوده زیاد گفته شده، اما اقدام عملیاتی متأسفانه با وجود اینکه مصوبه‌ای هم داشتند که ۳۰۰ هزار وام در این حوزه بپردازند، صورت نگرفته است.

یعنی هنوز هیچ وامی نداده‌اند؟

حدود ۳۰ هزار مورد در دو، سه سال که بود و نبودش فرق چندانی ندارد. در زمینه سکونتگاه‌های غیررسمی یا ارتقا و بهسازی مسکن ساکنان سکونتگاه‌های غیررسمی که جزء فقیرترین اقشار هستند، متأسفانه اقدام در حد صفر است. باید از دولت پرسید چرا در حالی که سه، چهار سال است صورت‌مسئله طرح می‌کنید، خبری از راه‌حل نیست، درحالی‌که راه‌حل‌ها جدی مطرح شده.

راه‌حل‌ها مورد پذیرش نیست؟

بخشی به مشکلات مالی برمی‌گردد. به هر حال یارانه نیاز دارد. دولت یارانه تخصیص نداده چون مشکل مالی دارد. مشکل مالی هم این نیست که بودجه نداشته باشد. در یک تقسیم بودجه به نظر می‌رسد در رویکرد مالی این گروه‌ها خیلی جایی ندارد. با وجود اینکه مسائل و درد‌هایشان زیاد گفته می‌شود.

به نظران دیدگاه بالادستی وجود دارد که این بخش را در بودجه دخیل نمی‌دانند؟

واقعیت این است که بودجه سیاسی بسته می‌شود. اگر بخواهید به مسکن اجتماعی و مواردی از این دست بودجه اختصاص دهید، باید از مخارج دیگری چه سیاسی یا نظامی و ... بکاهید. مصلحتی که آقایان تشخیص می‌دهند این است که از آنها نمی‌شود کم‌کرد. در مورد درست و غلط بودنش قضاوتی ندارم، اما اگر به جایی بخواهید بودجه تخصیص دهید، باید از بودجه جای دیگر کم کنید. چون توان مالی دولت محدود است و باید با صفره‌جویی بیشتر کار کند. مشکلات تخصیص

اقتصاد

بازی دولتی‌ها با زمین



در کشور است که قدرت خرید پایینی هم دارند، می‌خواهم بدانم جامعه کارگری با حاشیه‌نشینان و افراد بدمسکن تا چه اندازه هم‌پوشانی دارند؟

صدر‌دصد بخش مهمی از بدمسکن‌ها و حاشیه‌نشینان از جامعه کارگری هستند. ایران جزء معدود کشورهایی است که حداقل دستم‌زدش زیر خط فقر است. اگر سازمان تأمین اجتماعی برای ۱۴ میلیون جامعه کارگری زیر پوشش حق بیمه پرداخت کند، از این میزان به جرئت می‌شود گفت ۲۰ تا ۲۵ درصد زیر خط فقر هستند و با توجه به اینکه بخش مهمی از فقرا در سکونتگاه‌های غیررسمی هستند، صدر‌دصد جزء جامعه کارگری هم هستند.

فارغ از جامعه کارگری که تحت حمایت سازمان تأمین اجتماعی هستند، اکنون با اشتغال غیررسمی و همچنین جمعیت بی‌کار روبه‌رو هستیم، چه جمی از حاشیه‌نشینان به این بخش تعلق دارند؟

اقتشاری که در بخش غیررسمی اقتصاد هستند، بخش قابل‌توجهی از آنها در بین حاشیه‌نشینان حضور دارند. علاوه بر این، حدود سه، چهار میلیون نفر هستند که حتی تحت پوشش صندوق بازنشستگی و مستمر کمیته امداد و بهزیستی هم نیستند. در سال ۹۲ که طرح جامع مسکن دومیلیون و ۵۰۰ هزار خانوار مستاجر کم‌درآمد داشتیم که جزء چهار دهک اول درآمدی بودند. از این میزان یک میلیون تحت پوشش سازمان تأمین اجتماعی بودند. یعنی جزء جامعه کارگری، تعداد دیگر هم تحت پوشش کمیته امداد بودند. اکنون در سال ۹۴ از این میزان به حدود سه‌میلیون و صد خانوار رسیده است که از این میزان حدود ۴۰ درصد (یک‌میلیون و ۳۰۰ هزار نفر) مستاجر کم‌درآمد تحت پوشش سازمان تأمین اجتماعی و جامعه کارگری هستند.

کدام استان‌ها در ایران بیشترین میزان حاشیه‌نشینی را دارند؟

سیستان‌وبلوچستان، کردستان، خوزستان، ایلام و خراسان جنوبی که همه هم استان‌های حاشیه‌ای هستند از لحاظ درصد فقر، وضعیت نامناسب‌تری دارند. استان‌های مابین‌تر مثل آذربایجان غربی (آذربایجان شرقی و اردبیل وضعیت بهتری دارند) یزد و اصفهان هم وضعیت خوبی ندارند. بخشی به این خاطر است که در این مناطق، پتانسیل رشد اقتصادی خیلی کم است.

آیا نهاده‌ا و گروه‌ها در گسترش حاشیه‌نشینی به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم دخیل هستند؟

به نظر نمی‌آید نهاده‌های خیلی در توسعه حاشیه‌نشینی دخیل باشند. حاشیه‌نشینی و اسکان غیررسمی یعنی مراجعه به بازار غیررسمی زمین. دولت، سیاست زمین‌ی داشته که بر اساس ضوابط قانون زمین شهری بعد از انقلاب، توزیع زمین می‌کرده است. دولت از دهه ۷۰، شهرهای جدید را به‌خاطر زمین مسکن احداث کرده است، منتها از یک طرف استانداردها برای آماده‌سازی و زیرساخت‌ها به قدری در سطح بالایی تعریف شده که زمین گران درمی‌آید. بنابراین خانوار کم‌درآمد نمی‌تواند آنجا سکونت کند. می‌خواهد در تهران کار کند و در گوشه‌ای جایی برای خودش پیدا کند.

از چه زمانی این اتفاق افتاده؟

اگر روند را بخواهیم بگوییم، شکست زمین از بعد از انقلاب رخ داده. قبل از انقلاب هم بوده اما بعد از انقلاب با مهاجرت به شهرها تشدید شده. از طرف دیگر نظام مدیریت زمین هم نظام کاملاً به‌هم‌رشته‌ای است. همان‌ها حاشیه‌های جدید که می‌زنم به صورت شرکتی اداره می‌شوند، یعنی درآمدش حاصل از فروش زمین است. بنابراین طبیعی است مدیری که رأس شرکت شهر جدید قرار می‌گیرد، علاقه‌مند نیست قیمت زمین کم شود. عین انتقادی که وزارت راه و شهرسازی به شهرداری می‌کند به خودش هم وارد است. درآمد شرکت شهرهای جدید و سازمان زمین و مسکن، همه وابسته به فروش زمین است. زمانی‌که به‌صورت هزینه-درآمد منابع ملی را اداره می‌کنید، طبیعی است عین همان مشکلاتی که برای شهرداری پیش می‌آید، برای وزارت مسکن هم اتفاق می‌افتد. یک طرف سیاست دولت بود، یک طرف کاری که سنگ بنایش را آقای کرباسچی گذاشت که شهرداری‌ها را با فروش تراکم و بازی با درآمد حاصل از زمین، خودکفا کند. این اقدام، باعث شد قیمت زمین در دهه ۷۰ در شهرها به شدت بالا برود. درست است آقای قالیباف این سیاست را به اوج رساند، اما سنگ بنای این کار از آن زمان بود و قیمت زمین را هم‌زمان بالا برد. با وابستگی درآمد شهرداری به زمین، شهرداری به‌عنوان بزرگ انحصاری در داخل

اقتصاد

مدیر علمی طرح جامع مسکن در گفت‌وگو با «شرق» از شکست سیاست زمین در ایران می‌گوید

بازی دولتی‌ها با زمین

محدوده شهرها بازی‌اش را انجام داد. از آن طرف هم در دولت بخش زیادی از درآمد نهاده‌های دولتی وابسته به فروش زمین شد. مثل شهرهای جدید و سازمان ملی زمین و مسکن. آنها هم تمایل به افزایش قیمت زمین داشتند. مجموع اینها به اضافه ضوابط و استانداردهای زیرساختی که در حد توان‌پذیری گروه‌های کم‌درآمد اعم از حداقل تفکیک در نظام شهرسازی نبود، وقتی این امکانات به جیب متقاضی وابسته شد و بخشی از متقاضیان، آن پول را نداشتند، در سکونتگاه غیررسمی مشکلشان را حل کردند. اسلامشهر، نسیم‌شهر و اکبرآباد در حاشیه تهران، یک روز سکونتگاه غیررسمی بودند و اکنون رسمی شده‌اند و به تدریج تبدیل به شهر شدند. هیچ‌کدام برنامه‌ریزی‌شده نبودند. همان زمانی‌که دولت با قانون زمین شهری و... انواع و اقسام زمین‌ها را توزیع می‌کرد، سه برابرش در محدوده استان تهران و البرز، جمعیت سکونتگاه‌های غیررسمی ایجاد شد. این یعنی شکست سیاست زمین. بنابراین نمی‌شود این اتفاقات را گردن نهادهی انداخت. ممکن است نهادهی در جایی مقصر باشد، اما کلیت نظام اداره زمین به‌خصوص از دهه ۷۰ به بعد مشکل دارد.

راهنکاری برای اصلاح این شکست وجود ندارد؟
آقای نجفی (شهردار) در نظر دارد تراکم را قطع کند ولی بعید می‌دانم دوستانی که به شورای شهر آمده‌اند بتوانند این‌ کار را انجام دهند. نیروی سرمایه‌داری و مستغلانی آن‌قدر قوی شده که کار خودش را می‌کند.

یعنی زورشان نمی‌رسد؟

خیر. مگر اینکه مجموعه مدیران کشور بخواهند این کار را انجام دهند. اگر کل مجموعه از رأس تا ذیل، درآمد شهرداری‌ها، هداری‌ها و نهاده‌های دولتی از زمین را قطع کنند، زیرا بزرگ‌ترین مخل بازار زمین همین است، مشکل تا حدودی حل می‌شود. این هم دست یک وزیر نیست. دولت برای نمونه در شهر تهران می‌تواند این کار را در چهار سال کم به کام پیش ببرد.

به نظر‌تان آن کار را انجام می‌دهند؟

خیر. در جنم دولت نمی‌بینم که این کارها را بکنند. بعید می‌دانم، چون تهور و شجاعت اجرایی را در دولت نمی‌بینم. حداقلش این است که اگر این کار را نمی‌کند، نظام مالیات بر زمین را وضع کند. روی زمین هیچ مالیاتی نداریم، دوم نظام و سامانه املاک و مستغلات را راه بیندازد. یعنی تمام اموال اعم از زمین و ساختمان را در یک بانک اطلاعاتی که مالکانش مشخص باشد، فعل و انفعالات مشخص باشند، جمع‌آوری کنیم. حداقل در محدوده مجموعه‌های شهری می‌شود این کارها را انجام داد که یک نوع شفاف‌سازی کرد. با این کار می‌توان شهرهای رانت‌جویی را کمی بالا برد. کار دیگر این است که شاید باز هم محافظه‌کارانه‌تر، برای مجموعه‌های شهری و کلان‌شهرهای کشور مثل اصفهان، شیراز، مشهد، تبریز اهواز و تهران طرح‌های کالبدی تهیه شود و در داخل این طرح‌ها، زمین‌های مستقیم برای احداث شهرک‌های مسکونی طراحی شود و دولت به جای اینکه خودش متولی آن شود، شبکه حمل‌ونقلی را برای آنها فراهم کند. شبکه حمل‌ونقلی سریع و ارزان را فراهم کند و به نوعی مکانیسم و سازوکار بخش خصوصی را ارزانی کند.

به نوعی نظام برنامه‌ریزی شهری را درگروکن کنیم و در داخل محدوده‌های شهر در سطح مناطق شهری هم برنامه‌ریزی کنیم. در کنار آن، مدیریت مناطق شهری هم لازم است یکپارچه شود. به نظر می‌آید وزارتخانه بر این قسمت تأکید دارد. راه‌حلی که شاید ایده‌آل باشد، این است که کل نظام درآمدی که وابسته به زمین است، برچیده شود. اکنون در روستاها تخریب اداری و باغات کشاورزی را شاهد هستیم چون درآمد داری‌ها از قبل صدور پروانه است و همین‌طور تخریب‌کردن را تشویق می‌کنند. یعنی کلا یک شبکه رانت‌جویی زمین از سوی دستگاه‌های بخش عمومی ایجاد شده است. دستگاه‌های دولتی به‌جای اینکه کار حاکمیتی کنند، نگاه‌داری زمین می‌کنند. اینها نیازمند اراده سیاسی است. راه‌حل فعلی مشخص است. درحال حاضر، همه روی زمین بازی می‌کنند.

همه دستگاه‌ها؟

خیلی از دستگاه‌های دولتی زمین دارند و ساخت‌وساز می‌کنند. زمان هاشمی‌فرسنجانی، مصوبه‌ای بود که شورای‌عالی شهرسازی می‌گفت بایدگان‌ها باید به خارج از شهر منتقل شوند که از آن اراضی استفاده بهینه شود و خیلی از یادگان‌ها تمایل داشتند زمین‌ها را به پرسنلشان بدهند که ساخت‌وساز شود. هر دستگاهی اکنون متولی پرسنلش شده است، بنابراین هر دستگاهی دنبال زمین است. درحالی‌که باید بانک زمین باشد که تصمیم بگیرد. بانک زمین بر اساس قانون زمین شهری، سازمان ملی زمین و مسکن است که همه زمین‌های دولتی باید به آن منتقل شوند. از اینها بگذریم، مناطق آزاد که ربطی به کسی ندارد، درآمدشان وابسته به فروش زمین است. نتیجه این می‌شود که در کیش حدود ۶۰ درصد واحدهای مسکونی که ساخته شده است، خالی است و هیچ استفاده‌ای حتی تفریحی هم از آنها نمی‌شود. در نتیجه مدلی درست شده که همه در عرصه املاک و مستغلات بازیگر هستند. این رویکرد، بازار مسکن را به این وضعیت درآورده است. همین‌طور مکش منابع مالی از بخش‌های دیگر، اقتصاد را در زمین می‌خواندند و فرایند انباشت سرمایه که رشد اقتصادی کشور را باید محقق کند، به‌عنوان مانع توسعه مطرح می‌شود.

با این اوصاف خروج از رکود مسکن ممکن نیست؟

ممکن هست، اما اگر انتظار داشته باشید به رونق سال ۸۶ یا ۹۱ یا ۸۲ یا ۷۵ برگردیم، انتظار بیهوده‌ای است.

دریچه

دارایی مازاد بانک‌ها واگذار می‌شود

● وزارت امور اقتصادی و دارایی ایران در حاشیه هفتادویکمین نشست شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی در جمع خبرنگاران درباره فروش اموال و دارایی‌های مازاد بانک‌ها گفت: این موضوع هم قانونی و هم دستور رئیس‌جمهور است و یکی از اولویت‌های ضمیمه حکم اینجانب از طرف رئیس‌جمهور بوده که به من ابلاغ شده است. مسعود کرباسیان با اشاره به اصلاح نظام بانکی گفت: بانک‌ها باید به سمت کار بانکی بروند، نه اینکه بنگهداری کنند و حتما این موضوع باید پیگیری شود، البته آنها نگرانی‌هایی دارند که شاید عرضه یک‌دفعه اموال بانک‌ها به بازار، منجر به پایین‌آمدن قیمت‌ها شود که به این منظور من از آنها برنامه زمان‌بندی خواسته‌ام.

مصدق‌های قرض‌الحسنه خانگی ساماندهی می‌شوند

● مدیرعامل بانک قرض‌الحسنه مهر ایران در گفت‌وگو با خبرگزاری مهر از رونمایی طرح جدید این بانک با عنوان «ساماندهی صندوق‌های قرض‌الحسنه خانگی» در آذرماه خبر داد. به گفته مجید اکبری قرار است قرضدی که به‌عنوان مسئول صندوق شناخته شده، اعضا را به این بانک معرفی کرده و با همکاری این بانک و پرداخت بخشی از اعتبارات از سوی منابع داخلی بانک قرض‌الحسنه مهر ایران، اعضای صندوق‌های خانوادگی بتوانند از تسهیلات قرض‌الحسنه بر خودرا دارند. او کارمزد این تسهیلات را از صفر تا چهار درصد عنوان و اضافه کرد: با توجه به اینکه برخی صندوق‌های قرض‌الحسنه خانوادگی دچار مشکل در بازپرداخت تسهیلات شده‌اند، پرداخت وام‌های قرض‌الحسنه از طریق این بانک می‌تواند محلی امن و مطمئن برای بازپرداخت تسهیلات به صندوق باشد.

۲۸۰۰ میلیارد تومان از مطالبات گندم‌کاران پرداخت می‌شود

● مدیرعامل شرکت بزرگانی دولتی ایران در گفت‌وگو با مهر، از پرداخت مطالبات باقی‌مانده گندم‌کاران ظرف یک ماه آینده خبر داد و گفت: ارزش این مطالبات دوهزار و ۸۰۰ میلیارد تومان است که ظرف سه هفته آینده پرداخت خواهد شد. یزدان سیف همچنین با اشاره به کیفیت بالای گندم ایران، اضافه کرد: ۴۲ درصد از گندم‌های خریداری شده درجه یک هستند و ۳۰ درصد آنها نیز درجه دو به حساب می‌آیند و به‌این‌ترتیب، می‌توان میانگین کیفی گندم ایران را بالا انداست. او در ادامه اضافه کرد: بسیاری از کارشناسان معتقدند به جای آنکه درآمد نفت را به کشاورزان هندی، کانادایی و استرالیایی پرداخت کنیم و برای آنها اشتغال‌زایی به بیاوریم، می‌توانیم با ادامه طرح خودکفایی گندم، این پول را سر سفره کشاورزان خودمان ببریم.

افزایش ۴۰ درصدی تعرفه صادرات لبنیات به عراق

● رئیس میز عراق در سازمان توسعه تجارت با تأیید افزایش تعرفه صادرات ماست، شیر و شیرخشک به عراق از رازنی‌ها برای لغو این تصمیم خبر داد. ابراهیم رضازاده در گفت‌وگو با ایسنا گفت: دولت عراق تعرفه واردات این محصولات را ۴۰ درصد افزایش داده و مدت آن را هم چهار سال تعیین کرده است. او اضافه کرد: دولت عراق به منظور حمایت از تولیدات داخلی کشورش برای پنج قلم کالای صادراتی افزایش تعرفه در نظر گرفته است که از این میان سه قلم مربوط به گروه لبنیات بوده و دو قلم دیگر در حوزه صنایع فلزی و کالاهایی مانند کابل برق هستند. رضازاده درعین‌حال گفت: معمولاً دولت عراق اگر قصد تغییر تعرفه‌ای را داشته باشد آن را در دوره‌ای کوتاه‌مدت لحاظ می‌کند و پس از تأثیرات آن ساخت‌وساز می‌کنند. زمان هاشمی‌فرسنجانی، مصوبه‌ای بود که شورای‌عالی شهرسازی می‌گفت بایدگان‌ها باید به خارج از شهر منتقل شوند که از آن اراضی استفاده بهینه شود و خیلی از یادگان‌ها تمایل داشتند زمین‌ها را به پرسنلشان بدهند که ساخت‌وساز شود. هر دستگاهی اکنون متولی پرسنلش شده است، بنابراین هر دستگاهی دنبال زمین است. درحالی‌که باید بانک زمین باشد که تصمیم بگیرد. بانک زمین بر اساس قانون زمین شهری، سازمان ملی زمین و مسکن است که همه زمین‌های دولتی باید به آن منتقل شوند. از اینها بگذریم، مناطق آزاد که ربطی به کسی ندارد، درآمدشان وابسته به فروش زمین است. نتیجه این می‌شود که در کیش حدود ۶۰ درصد واحدهای مسکونی که ساخته شده است، خالی است و هیچ استفاده‌ای حتی تفریحی هم از آنها نمی‌شود. در نتیجه مدلی درست شده که همه در عرصه املاک و مستغلات بازیگر هستند. این رویکرد، بازار مسکن را به این وضعیت درآورده است. همین‌طور مکش منابع مالی از بخش‌های دیگر، اقتصاد را در زمین می‌خواندند و فرایند انباشت سرمایه که رشد اقتصادی کشور را باید محقق کند، به‌عنوان مانع توسعه مطرح می‌شود.